

اولا تا ده سال دیگر دولت بدیگری امتیاز ندهد بنده عرض می کنم بمدت ۱۰ سال کاملاً آزاد باشد باین شخص امتیاز ندهد به دیگری هم ندهد

نهایت برای اینکه دست دولت را نیسته باشیم می گویم ده سال می گوئید زیاد است بفرمائید پنجسال والا بگوئید بمدت ۱۰ سال دولت بهیچ کس در آذربایجان امتیاز کبریت ندهد البته در آن صورت بنده هم پیشنهاد را پس می گیرم و یک همچو پیشنهادی می کنم و اگر آقایان تا آن اندازه موافقت نمی فرمایند اقلاً این پیشنهاد بنده را قبول فرمایند که تاده سال دیگر صاحب امتیاز بداند بدیگری واگذار نخواهد کرد

نایب رئیس - در حقیقت پیشنهاد آقای کازرونی علاوه بر آنکه زیاد از اندازه توضیح دادند بااصل قانون مخالفت دارد معنایش این است مدت امتیاز بیست و پنجسال باشد حالا اگر آقایان موافقت بقیه مذاکرات بماند برای بعد از تنفس (بعضی گفتند خیر برای بگیرند مذاکرات کافی است)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی مذاکرات کافی است؟ (بعضی گفتند کافی است)

نایب رئیس - ولی آقایان باید در موقع تنفس در شعبات بنشینند و ترتیبات داخلی خود را بدهند.

(پیشنهاد آقای کازرونی مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - رأی می گیریم به این پیشنهاد آقایانیکه آنرا قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(دوسه نفری قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد. شورد در کلیات این قانون است اگر در کلیات مخالفی هست اظهار بفرماید

(گفته شد مخالفی نیست)

نایب رئیس - چندماده است

امیر ناصر - ۱۱ ماده

سلیمان میرزا - باید ماده واحده را خواند و رأی گرفت

(ماده واحده بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی به

وزارت فوائد عامه اجازه می دهد بشرائط فوق که مشتمل بر یازده ماده است این

قرارداد را با خواهند گان امتیاز منعقد نمایند

نایب رئیس - آقایانیکه با این

ماده موافقت که معنایش تصدیق آن یازده ماده است قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. تنفس

داده شود یا خیر؟

(بعضی گفتند خیر)

ظهر است)

سهام السلطان - ماده الحاقیه بمعاهده افغانستان هم جزئی است چون مقارن ظهر است آنرا هم تمام بفرمائید بعد جلسه ختم شود

(فصل سوم الحاقیه به معاهده ایران و افغانستان بمضمون ذیل قرائت شد)

همچنین طوائف ایلاتی که سابقاً از ایران باافغانستان رفته اند کمافی السابق تبعه دولت متوقف فیها میباشند و بدون اینکه تذکر خود را بماضی مأمورین ایران برسانند حق ورود ب خاک ایران رانخواهند داشت چنانکه همین ترتیب نظیراً موافق فصل دوم الحاقی نسبت بکلیه طوائف و ایلاتی که سابقاً از افغانستان بایران آمده اند مجری خواهند شد

افرادی که از ایران قبل از تأسیس سفارت ایران در کابل باافغانستان رفته سکنی اختیار کرده اند کمافی السابق تبعه افغانستان شناخته می شوند تجاریکه فقط برای معاملات تجارتنی از ایران باافغانستان مسافرت نموده اند و در افغانستان اقامت دائمی اختیار نکرده اند و نیز بموجب اسناد محقق است که در دوایر رسمی افغانستان با آنها معامله تبعه افغانستان نشده است تبعه ایران شناخته خواهند شد

نایب رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟

(بعضی گفتند خیر)

نایب رئیس - آقایانی که با این فصل

سوم الحاقیه موافقت قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند

نایب رئیس - تصویب شد. در کلیاتش

علیحه نباید رأی گرفت

(گفته خیر)

حاج شیخ اسدالله - يك فصل الحاقیه

است و کلیات ندارد

نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - همانطور که آقای حاج

شیخ اسدالله فرمودند این صلاح یکی از آن

مواد است و در حقیقت معامله متقابل است

و توضیح واضحات هم بوده است دیسگر

مذاکره در کلیات ندارد

نایب رئیس - حضرت والا بازم فرمایش

دارید

سلیمان میرزا - اگر مطلب ختم است

عرضی دارم

نایب رئیس - آقایان فراموش

نفرموده اند که ما این شعبات را معین کردیم

و باید هیئت رئیسه آن معین شود حالا اگر

موافقت جلسه را ختم کنیم و برویم ترتیبات

داخلی شعبات را معین کنیم این بود تقاضای

بودجه .
آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)

ارباب کیخسرو - راجع بآن قسمت از دسیه ها بنده باعث بودم که نظر رئیس مالیه معلوم شود و چون نمی خواستم باعث رنج و زحمت جمعی شده باشم در همان موقع استدعا کردم کمیسیون قدری توجه بکنند که نظر رئیس مالیه جلب شود نمیدانم جلب نظر دولت راهم کرده است یا نه استدعا دارم توجه بفرمائید که زودتر خاتمه پیدا کرده و تکلیف آن بیچاره ها معلوم شود این قسمتی بود که بنده خواستم در این باب تذکر بدهم قسمت دیگر که خواستم استدعا کنم این بود که اقلاً لویایچی که به مجلس می آید الفاظش فارسی باشد گل سرخ معمول است و لازم نیست اکسید دوفر بنویسند که آقای نایب رئیس هم برای خواندن آن تأمل فرمایند

نایب رئیس - آقای تدین
(اجازه)

تدین - بنده در چند جلسه قبل تذکر دادم لایحه قانون شورای دولتی تمام شده در طبع و توزیع هم شده است و نظر با اهمیت آن بنده پیشنهاد کردم جزو دستور جلسه فردا باشد

نایب رئیس - مخالفی نیست

محمد هاسم میرزا - بنده مخالفم

تدین - جزو دستور قبولش کنید بعد

در تقدیم و تأخیرش مذاکره فرمائید

نایب رئیس - آقای مساوات

(اجازه)

مساوات - بنده راجع بدستور خواستم

عرض کنم که لایحه راجع بچراغ برق همدان

شور اولش تمام شده اگر آقایان تصویب

می فرمایند جزو دستور فردا بشود

نایب رئیس - آقای محمد هاسم

میرزا

(اجازه)

محمد هاسم میرزا - همانطور که قرار

شد باید قوانینی که يك شورش تمام شده

است مثل قانون میمزی وغیره زود تر

مذاکره شده زیرا اینها مهمتر است والا

قانون شورای دولتی سی چهل جلسه لازم

خواهد داشت و بالاخره در این دوره نخواهد

گذشت و نا تمام خواهد مانده بنده لازم

می دانم لویایچی که يك شورش شده مطرح

شود مثلا در خصوص قانون انتخابات دوسه

ماه قبل آقایان اصرار داشتند به مجلس

بیاید وقتی آمد گفتند وقت گذشته است

بنده من باب تذکر لایحه ارومیه ها و قانون

انتخابات را مهمتر می دانم زیرا اگر اینها

مطرح نشود وقت مجلس بهدر می رود و مثل

که باتعمین آن در دستور موافقت قیام
بفرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت سی و نه رأی

تصویب شد .

اگر آقایان اجازه بفرمایند جلسه را ختم کنیم

(مجلس یک ربع ساعت بعد

از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه دویست و سوم

صورت مشروح مجلس یوم

یکشنبه شانزدهم جدی ۱۳۰۱

مطابق نوزدهم جمادی الاولی ۱۳۴۱

(مجلس ۲ ساعت و ربع کم قبل از

ظهر بریاست آقای مدرس نایب رئیس

تشکیل گردید)

(صورت جلسه یوم شنبه پانزدهم جدی را

آقای امیر ناصر قرائت نمودند

نایب رئیس - در صورت مجلس فرمایشی

نیست؟ صورت جلسه تصویب شد آقای وزیر

مالیه فرمایشی دارند بفرمایند.

وزیر مالیه : در چند جلسه قبل یکی

۲ نفر از آقایان نمایندگان ابتدا آقای نصرت

الدوله و بعد آقای داور اظهار فرمودند که

بدون تصویب مجلس دولت استقراضی نموده

است گرچه آقای وزیر پست و تلگراف هم

اظهار کردند که استقراضی نشده است ولی

باز هم لازم است خاطر آقایان را متذکر

کنم که بکلی رفع سوء تفاهم بشود

بدیهی است بودجه ای را که مجلس در اول

سال تصویب میکند مشتمل بر عایدات و

مخارجی است و عایدات ماه به ماه در موافق

معینی نمیرسد که مخارج پرداخت شود در

ظرف سال دولت بابانک و ضرافحانهائی که

طرف دولت هستند يك حساب جاری دارد

که بطور مساعده از آنها پول گرفته و از

عایدات جاری به آنها میبرد و از این

معامله همیشه در جریان است . مساعده

گرفتن از يك تجارت خانه یا بانکی که طرف

است غیر از استقراضی است و جبهی

راهم که مستشار تهیه کرده است از همین قرار

است یعنی از عایدات نقطه سنه ۱۹۲۲ که

تمام شد و باید تا اول مارس که

چند روز قبل از عید نوروز است بدولت برسد

و فعلاً برای مخارج لازم از آن بابت از

بانک بمنوان مساعده مبلغی گرفته شده است

لناچه عایدات گمرک هم ماه به ماه بیبانک

میرسد و در هشتم هر ماه باید بصورت حساب

آن را بدولت بدهند و همیشه با مبلغی دولت

از بانک طلب کاراست یا بانک از دولت

و عنوان استقراض وقتی است که یکی از

منابع عایدی را برای چند سال آنبه وثیقه

بگذارند و وجهی بگیرند استقراض باین

معامله می شود والا آنچه را که از بابت

عایدات جاری میگیرند عنوان استقراض

پیدا نمیکند مخصوصاً این وجهی را که مستشار

کل از بانک گرفته است تمام عایدی يك ساله نیست يك مقدار برای مصارف لازم گرفته است و بقیه رادست نگاه داشته که اگر لازم شد بگیرند و اگر لازم نشدنگیرند و البته همیشه مساعده کمتر است ازوجهی که باید بگیرند و از این حیث گمان میکنم به هیچ وجه نگرانی نباشد و کاری برخلاف قانون نشده است محض استحضار خاطر آقایان عرض کردم .

نایب رئیس - آقای فیوضات راجع بفروش جنس سؤالی از وزارت مالیه داشتند آقای وزیر حاضرند سؤال کنید
فیوضات - بموجب تلگرافات واصنه از خراسان بواسطه خالی بودن زمین جنس در آن صفحات اهالی در وحشت هستند و نرخ جنسهم روبه ترقی است و واگذار کردن جنس دیوانی از راه تسعیر یا فروش بدیگران باعث عسرت اهالی است و در صورتیکه در اواخر برج عقرب نرخ غله در قوچان و اسفر این ۸ تومان و ۲ قران و در شیروان یازده تومان بوده است و وزارت مالیه بموجب حکم ۲۰۲۴ اجازه فروش داده است که بنرخ برج میزان که کمتر از برج عقرب بوده است بفروش رسانیده اند ۳ هزار خروار غله قوچان و اسفر این را از قرار خرواری شش تومان و ۸ قران و غله شیروان را از قرار شش تومان و چهار قران بفروشد در صورتیکه عرض کردم در آن موقع نرخ غله در قوچان و اسفر این هشت تومان و ۲ قران و در شیروان یازده تومان بوده است اولاً این معامله با مخالفت ادارات مربوط وزارت مالیه صورت گرفته است محاسبات کل مالیه و کمیسیون وزارت جنگ باین معامله مخالف بوده اند ثانیاً این معامله باعث عسرت آذوقه اهالی میشود و محتمل است در آتی ضررهائی برای دولت تولید نماید ثالثاً در صورتیکه نرخ غله در قوچان و اسفر این هشت تومان و ۲ قران و در شیروان یازده تومان بوده است از این معامله قریب ۸ هزار و چهار صد تومان به دولت ضرر وارد شده است

وزیر مالیه - عرض میکنم دولت يك عایدات نقدی دارد يك عایدات جنسی عایدات جنسی را هم پس از وضع مصارف محل مجبور است بقیه را بفروشد و بصورت نقدی در آورد .
و در موقع فروش جنس دولت باید دو چیز را در نظر بگیرد یکی اینکه اسباب عسرت اهالی فراهم نشود یکی هم اینکه از حیث قیمت دولت از سایرین عقب نماند .
فیوضات - پس چرا اعلان مزایده نداده اند .
وزیر مالیه - برای اینکه اگر اعلان مزایده میدادند نرخ جنس را پائین می آوردند و فوق العاده باعث ضرر دولت بود همانطور

که سایر ملاکین جنس را میفروشد دولت هم باید همانطور بفروشد و البته نرخ جنس در هر موقع تفاوت دارد در اواخر تابستان که سر خرمن است ارزانتر و در اواخر پاییز و زمستان البته گرانتر است و دولت هم این مسائل را در نظر می گیرد و هر موقع را برای فروش جنس با صرفه ترید همانوقت دستور میدهد که در محل جنس را بفروشد در سال گذشته بواسطه همین پیش بینی ها يك مقداری غله را در بعضی از نقاط انبار کردند و امسال در اول سال پیش کار مالیه خراسان را بر تپهای متعدد دادند که انبارهایی که در تربت و ترشیز میباشد زرده زده است زرده يك آفتی است در طرف خراسان و مقدار زیادی از این راه ضرر بدولت وارد آمده است و علت هم این است که دولت در آن نواحی انبارهای ساخته ندارد و مجبور است در کاروانسرا ها انبار های مخروبه اجاره کند و موقتاً جنس را در آنجا بریزد و وسایل محفوظ داشتن جنس هم فراهم نیست باین واسطه جنس خراب میشود در آخر برج عقرب يك نفر تاجر شیروانی تقاضا کرد که جنس آن نقاط را بخرد و نرخی که ما داشتیم نرخ برج اسد بود و تلگراف کردیم بر رئیس مالیه محل که نرخ روز را اطلاع بدهد و پس از اطلاع نرخ جنس با آنجا دستور داده شد که شرط فروش جنس اول رفع عسرت اهالی است و در صورتی که جنس کم باشد نباید بفروشد و بهمین جهت هم جنس شیروان را نفروختند و اینکه فرمودند ادارات مربوطه برخلاف این عقیده بوده اند اینطور نیست و من نسبت بآنها ایرادی داشتم زیرا آنروزی که تلگراف کردم که شرط فروش جنس رفع عسرت اهالی است در جواب تلگراف چند روز تأخیر کردند و من ایراد کردم چر تأخیر کردید و لازم بود زودتر جواب می دادید بهر صورت بمالیه محل اینطور دستور داده شد که در صورتی که مطمئن هستید که جنس باندازه محل خواهد داشت بنرخ روز اضافه را بفروشید و هنوز هم این حکم بموقع اجرا نیامده است و مجدداً هم تلگراف شد به خراسان و نظریات امین مالیه خراسان را خواستم که هر طور برای دولت انفع است تلگراف کنید تا مجدداً دستور داده شود
فیوضات - عرض کردم در موقعی که از طرف وزارت مالیه با اداره مالیه خراسان اجازه تسعیر و فروش جنس داده شد در شیروان غله خرواری ۱۱ تومان و در قوچان و اسفر این ۸ تومان و دو قران بوده است و مالیه خراسان جنس قوچان و اسفر این را از قرار ۶ تومان و ۸ قران و جنس شیروان را از قرار ۶ تومان و چهار قران فروخته اند بملاوه مطابق (راپرتی که رسیده است اهالی حاضر بوده اند که خرواری يك تومان علاوه بر آنچه که دولت فروخته است بخرند و بآنها نداده اند و ممکن است دوسیه کامل این معامله از وزارت مالیه خواسته شود که همه آقایان از وضع فروش این سه هزار خروار جنس

مسبوق شوند
وزیر مالیه بطوریکه فرمودند اهالی شیروان بواسطه کمی غله شکایت کردند و چنانچه عرض کردم جنس آنجا هم فروخته نشد و دوسیه را که فرمودند هر وقت آقای فیوضات مایل باشند ممکن است خودشان تشریف بیاورند و دوسیه را ملاحظه کنند و اگر هم بخواهند ممکن است به مجلس هم فرستاده شود .
نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا هم سؤالی داشتند بفرمایند
سلیمان میرزا - در حقیقت از بس آقایان وزراء برای جواب سؤال حاضر نشده اند بنده سؤالات خودم را فراموش کرده ام اگر متذکر بفرمائید از سؤالات بقیه را ممکن است عرض کنم ولی يك مطلب دیگری دارم که تازه است اگر اجازه بفرمائید عرض کنم
نایب رئیس بفرمائید
سلیمان میرزا - بنده حقیقتاً سؤالاتم را فراموش کرده ام و آن بدبخت هائی هم که این سؤالات راجع بآنها است بهر بلیه که باید دچار بشوند شده اند در هر حال يك تلگراف تازه از رشت رسیده است بتوسط مقام محترم ریاست مجلس و کیه آن را هم به بعضی ها داده اند که یکی از آن کیه ها را بمن و یکی هم با آقای حاج سید المحققین داده اند و بعقیده بنده هم مسئله خیلی واضع است فرضاً ماو کلا در آخر هر ماه ده تومان از حقوقمان بخواهیم برای کمک بقراء اختصاص بدهیم آیا باید وزارت مالیه مأمور بفرستد سرما که این پولی را که شما می خواهید بدهید از عایدات دولت است و مطابق قرض چایی باید بدولت بدهند که بهر نحو من دلم می خواهد خرج کنم بعقیده بنده نباید این ترتیب باشد زیرا وقتی که من دیدم هوا سرد است بمیل خودم از نقطه نظر رحم و مروت و شفقت چون دیده ام يك عده لغت هستند خواسته ام آنها را گرم کنم و يك پولی برای کمک آنها می دهم آیا باید دولت فوری در آن دخالت کرده و پول بمقتودی که می خواستم مصرف نشود ؟
در مملکت ما این مسائل پیش آمده است که دیگر مردم از دادن اعانه برای کار های عمومی خودداری می کنند البته وقتی که بنید برای معارف یا خیریه اعانه میدهند و مأمورین مالیه می خواهند آن وجه راجع کنند يك مقدار زیاد آن وجه خرج فوق العاده و اندامتیه یا اضافه مواجب مأمور مالیه می شود .
و اگر هم چیزی اضافه بماند جزء عایدات عمومی محسوب می شود دیگر اعانه نمی دهند موضوع اعانه هم مثل سایر حساب مملکت است که همه می دانند صورت جمع و خرج آن هنوز معلوم نیست مثلاً بودجه وزارت مالیه هنوز بمجلس نیامده است و اگر هم ما در بودجه رأی بدهیم رأی بتفریح بودجه خواهد بود نه رأی بخرج بهر جهت

این مسائل است که مردم را از دادن اعانه باز میدارد
والا رحم و مروت و شفقت و معارف خواهی مردم ایران از هیچ کجا کمتر نیست این همه اوقات که ما داریم تمام از راه مملکت خواهی و معارف خواهی بوده است مردم را برای ترویج علم یا برای دستگیری فقراء وقف کرده اند
مثلاً صدیک حقوق هارا برای اعانه مدارس طهران می دهند و اگر بحساب آن رسیدگی شود اقل باید حقوق معلمین مدارس نقد باشد ولی حال مدارس معلوم است که بچه ترتیب حقوقشان می رسد سایر نقاط هم که مردم برای معارف یا امور خیریه اعانه می دهند و با اینکه جزو مالیات نیست فوراً مأمور دولت آنجا حاضر است و قبض چایی می دهد و می گوید این وجه عایدی دولت است برای مثال وضعیت اعانه که در قصر شیرین می دهند عرض می کنم قریب ۱۱ سال بود که در قصر شیرین مردم قرار گذارده بودند که هر مدلی دو قران برای اداره کردن مدرسه قصر شیرین بدهند و در سال گذشته قریب چهار و دو هزار تومان از باب عدلی دو قران جمع شده بود ولی وقتی که بنده به مدرسه قصر شیرین رفتم مدرسه آن جاهمان مدرسه بود که مرحوم مصمص الممالک ساخته بود و اطاقهای آنجا نزدیک بود خراب شود و سه نفر شاگرد هم بیشتر نداشت حالا این چهل و سه هزار تومان بچه مصرف می رسید که سه نفر شاگرد بیشتر نداشت اولاً قریب بیست و چهار هزار تومان آن را که عدلی يك قران آن باشد حکومت برای خرج سفره برمی داشت و سایر اشخاص هم هر کدام سهمی داشتند
و بالاخره ماهی هشتاد تومان برای مدرسه تقصیم داده شده بود که مدیر و معلم و ناظم و سایر اجزاء مدرسه بدهند البته وقتی که اهالی ببینند این ترتیب است سالی چهل و هشت هزار تومان می دهند و بالاخره مدرسه سه نفر شاگرد بیشتر ندارد آن هم در شان ناقص است دیگر اعانه نمی دهند و جای ملامت هم نیست
چنانچه قریب يكسال هم هست دیگر اعانه نمی دهند و يك عایدی چهل و هشت هزار تومانی از بین رفت حالا هم اهالی گیلان تلگراف کرده اند که ما بمیل خاطر خودمان نظر بگرفتاری های زیادی که برای گیلان پیدا شده است
در این موقع از هر یوط برنج که بخارجه میرود پنجشاهی می دهیم که يك قسمت به مصرف فقراء و يك قسمت بمصرف معارف برسد و مدتی است فریاد میزنند که این وجه را که ما می دهیم میل داریم باینکه باین دو مصرف مخصوص برسد و ما خودمان هم نظارت داشته باشیم نه اینکه این پول بمصرف اندامتیه فلان

مأمور برسد با فرضاً در طهران بمصرف حقوق و شهریه دیگران برسد و این مسئله باین واضحی من نمی دانم چه اشکالی دارد که یکمده از تجار بطیب خاطر خودشان یک مبلغی از مال التجاره خودشان را برای کمک و مساعدت بقراء میدهند آیا اگر فقرا کیلان امسال را با مساعدت اهالی خود یک قسمت آباد از مملکت ما نیست که آقای وزیر معارف پیشنهاد میکنند بوطی پنجشاهی که از برنج گرفته میشود بعد از این جزء مالیات و بمصرف معارف برسد بنده هیچ اشکالی نمی بینم که در جواب این تلگراف چه از طرف مجلس و چه از طرف هیئت وزراء و چه از طرف کمیسیون عرایض نوشته شود که این پولی را که بمیل خاطر خودتان می دهید خودتان نظریات داشته باشید که باین دو مصرفیکه میل خودتان است برسد حالا این تلگراف و تقاضا را بنظر آقایان می رسانم اگر آقایان موافقت فرمایند همینطور رفتار شود و تصور نمیکنم این مطلب هم قابل اختلاف باشد و آن تلگراف این است (بمضمون آتی قرائت شد)

تلگراف تجار رشت
۲۵۸ مورخه ۱۵ برج جدی
ایت نبل ۱۳۰۱

توسط حضرت اشرف آقای مؤتمن - الملك ساحت مقدس مجلس شورای ملی کبیه ریاست وزراء عظام کبیه وزارت جلیله جنک کبیه وزرات عالی کبیه مستشار کمال مالیه کبیه وزارت معارف کبیه شاهزاده سلیمان میرزا کبیه آقای حاج سیدالمحققین کبیه اتحادیه تجار کبیه جرائد ستاره ایران اتحاد متأسفانه کراراً عرایض خود را باولیای امور عرض کرده جز جوابهای معمولی که در دست اقدام است و بعد از مذاکرات لازمه داده می شود چیزی دیگری ندیده و نشنیده ایم ناچار سه روز است بتلگرافخانه تحصن اختیار نموده عرایض خود را تکرار و باز بجواب نائل نگشته ایم تقاضاهای ما باندازه مشروع و حق و بقسمی ساده و طبیعی است که امکان ندارد کسی بتواند لباس مخالفت بیوشاند و یا کسی بشنود تصدیق نکرده و حق ندهد مگر آنانکه نمی خواهند بشنوند و بفهمند می گوئیم وضع کیلان معلوم وضعیت آن معلوم ترفقا و عجزه کرسنه و برهنه در این هوای سرد زمستان محتاج برستار و اعاشه اجاره دهید وجهیکه خود با میل خود بدون امر یا تشویق اولیای امور در نتیجه آثار خویشتن و مقتضای وظیفه اسلامیت و انسانیت بعنوان یوطی و شاهی بامورات خیریه تخصیص داده ایم

با نظریه و تصویب ما خرج شود اجازه دهید که علاوه بر فقرا که از اطراف مانند سیل همه روزه هجوم می آورند در مدنظر خودی و بیگانه تودهای مظلم و تاریک و متحرک با ضجه داین تشکیل می دهند زنده هایشان را سیورمه هایشان را بچاک بسیاریم اجازه دهید که دست تعرض مأمورین اختلاس کننده را از این وجه کوتاه سازیم اجازه دهید که وصول اصال اینوجه با نظریه و تصویب انجمن خیریه منتخب اهالی باشد تا مأمورین لایق ما مثل سایر عواید دولت وسعت قلب نشان نداده خرج وصول را بالاتر از منتخبه وصول نمایند اجازه دهید با اینوجه که خود می دهید نه مالیات مستقیم است نه غیر مستقیم و نه مربوط بدولت است و نه اداری جزو جمع باز با نظارت دولت فقرا و ایام خود را اعاشه و معارف خود را اداره نمایم تا بلکه از فقر و فلاکت و جهالت خلاص شویم تقاضا داریم که امر فرمایند وجوه معارفی از قبیل قوطی سه شاهی و مالی دویست دینار و غیره که از خود کیلان اخذ و تا چندی قبل اختصاص بمعارف داشت باز بمعارف تخصیص داده شود گوئیم علت ندارد که از صدوسی هزار تومان تصویب دارالشوری معارف کیلان مجرم بماند مگر کیلان جزء ایران نیست ؟ و یا اطفال کیلان تربیت و تعلیم نمی خواهند باز می گوئیم وضعیت امروزه کیلان اجازه نمی دهد که از فقرا پرستاری شود و زمینه را تهیه برای افکار مختلف و دستجات مخالف نمایند کیلان از سر نو دچار بدبختی نشود اگر تقاضاهای باین مشروعی و حقانیت و ساده گوی قبول نشود برای آن کسانی که بعد از این بخواهند در ایران زندگانی بکنند شمارا بخدا و انسانیت قسم زیادتر از این بی علاقتی و سکوت اختیار ننمایند زود بلی هر چه زودتر اوامر لازمه با ادارات مربوط بدهید تا نتایج و خیم حاصل نشود و با اهالی از تأذیه این وجه استنکاف بکنند (هیئت اتحادیه تجار رشت)

از برای چه جواب نمی دهیم در صورتی که بعقبه بنده جوابش لازم بوده همینطور که ما سؤالی می کنیم و مثل مجسمه گوش می کنند و جواب نمی دهند لابد تکلیف موکلین ما هم معلوم است زیرا وقتی باو کلای آنها این قسم معامله می کنند البته آن ها هم مجبورند باصطبل پنهانده شوت تا گوش بچرفشان بدهند هم منظور که خودشان در این تلگراف ذکر کرده اند گمان نمی کنم این مسئله باشد که قابل هیچ اختلافی باشد یک قسمت از تجار برای اینکه فقراشان از کرسنگی نیرد یا بقول خودشان آن بدبخت

هائی را که از کرسنگی بمیرند دفن کنند و یا بچه هایشان را ب مدرسه بگذارند میگویند ما که این پولها را می دهیم باید نظارت داشته باشیم که بمصارف فقرا و ضغفاء برسد و این پول مواجبت رئیس مالیه و غیره نشود و باین ترتیبی که خودشان نوشته اند هیچ مورد اشکال نیست حالا هم آقای وزیر مالیه که اینجا تشریف دارند گرچه سؤال نیست ولی خوب است موافقت فرمایند و دستور بدهند که خود آنها که ذی نفع در این اعانه هستند تا قانونی از مجلس در این باب نگذشته ترتیبی داده شود که فقرا کیلان از کرسنگی وسختی نیرند در صورتی که چیزی هم بر بودجه مملکت تحمیل نمی کنند خودشان میدهند و خودشان هم می خواهند در مخارج آن نظارت داشته باشند خوب است آقایان هم در این باب مساعدت فرمایند شاید امروز لاف اول از مردن و سرما خلاص کرده باشیم -

وزیر مالیه در موضوع اعانه که برای معارف و خیریه در ولایات داده می شود در سنوات قبل همانطور که شاهد داده سلیمان میرزا فرمودند همان معاملات می شده اما از چندی قبل شاید آقایان مستحضران بعد از مذاکراتی که با وزارت معارف شد دستور بامتای مالیه داده شد که وجوهی که برای معارف هر محل داده می شود دخالت نکنند و وجوه را در تحت نظارت همان اهالی جمع آوری کنند و تحویل اداره معارف آنجا دهند که با نظارت اهالی بمصرف خودش برسد و در بودجه جمع و خرج هم منظور نشده و این مسئله مسلم است که این عایدی هر کدام در محل خودش برای یک مصارف معینی تخصیص داده شده از جمله کیلان که عایدش بیشتر از چند نقطه دیگری است که این اعانه را می دهند برای مدارس که تأسیس کرده اند در تحت نظر رئیس معارف مصرف می کند اخیراً اتحادیه تجار برای رعایت حال یک عده خواسته اند یک اداره خیریه تشکیل بدهند و مصارف آنرا از همین محل بدهند اداره مالیه هم هیچ حرفی ندارد که این پول باین مصرف برسد یا مصرف آن مدارس می کند اخیراً اگر بخواهد بمصرف دیگر برساند باید تکلیف خود را نسبت بآن مدارس بداند زیرا دیگر مجلسی برای آن مدارس نخواهد داشت یا باید بگوئید فعلاً آن وجه بمصرف خیریه برسد یا اینکه خیریه را عاقلاناً دست نگاهدارند و این عایدات را وزارت مالیه فقط جمع آوری میکند بدون اینکه از این وجه یک دیناری ب مأمورین مالیه مدر معاش یا کمک خرج منظور شود تمام آنرا بمصرف خیریه برسانند و اگر هم محل نیست

تصمیمی اتخاذ کنند که هر دو مقصود بعمل آید و الامتلافی در اصل مقصود نیست و فرض این است که ضرر بهیچ طرف نخورد.

نایب رئیس - وزارت معارف می شوم اولاً شور در لایحه امتیاز نطق.

آقای میرزا شهاب الدین - بنده هم یکماه و نیم است سؤال تقدیم مقام ریاست کرده ام این که نمی شود وزیر تقاضا کند سؤال نکنید و وارد دستور شوید مگر وکیل حق سؤال ندارد.

نایب رئیس - بفرمائید

آقای میرزا شهاب الدین - اگر چه سؤالاتی که در مجلس میشود بی نتیجه می ماند ولی این سؤالی را که بنده می خواهم بکنم چون به نفع عموم است امیدوارم نتیجه از آن گرفته شود البته همه آقایان تصدیق دارند که هیچ قانونی رانمی توان قانون دانست مگر بتصویب مجلس شورای ملی باشد و این مسئله محل انکار نیست حالا بنده دو اصل از متمم قانون اساسی را با اینکه می دانم آقایان میدانند ولی محض کار و برای این که تماشاچی هم بشوند نمی خوانم.

آقای میرزا یعقوب - بتماشاچی هام مربوط نیست.

میرزا شهاب الدین - میخوانم که آقایان ملتفت شوند.

اصل نهم - افراد مردم از حیث جان و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی توان شد مگر بجهت و ترتیبی که قوانین مملکت معین می نماید.

اصل سیزدهم - منزل و خانه هر کسی در حفظ امان است در هیچ مسکنی قهرآ نمی توان داخل شد مگر بجهت و ترتیبی که قانون مقررنموده چندی قبل اینجا برای استحضار آقایان عرض کردم مقتضی تجدید در ولایات بدون اجازه صاحب خانه و برخلاف صریح قانون اساسی و برخلاف صریح آیات قرآن قهرآ داخل مساکن مردم می شوند باسم این که توترباک بی بند لرداری در صورتی که هیچ قانونی دخول در منزل اشخاص را اجازه نمی دهد مگر این که در دست کسی تریاک قاچاق را ببیند که از منزل خارج کرده و برای فروش در بازار می برد می توانند بگیرند و الا داخل شدن در خانه مردم بدون اجازه صاحبخانه نه شرعاً مانع قانون اساسی که مطابق با شرع است اجازه میدهد در اینصورت از وزیر مالیه سؤال می کنم که باستناد کدام قانون به مقتضی تجدید اجازه داده شده است که قهرآ بخانه مردم داخل شوند اگر می فرمایند نظامنامه داخلی تجدید با وزارت

مالیه همچو اجازه داده عرض میکنم نظامنامه هم مادامی که بتصویب مجلس نرسیده باشد نمی شود قانون گشت و اصل شان در قانون اساسی هم همین مسئله را تصریح میکنند و اگر وزارت مالیه این رسم و موضوع را رسماً جلو گیری نمی کند مخصوصاً آقایان و مقام ایالت تقاضا می کنم که شرحی بدولت نوشته شود که من بعد مأمورین را از دخول در خانه مردم برای تفتیش تریاک معانت کنند و اگر هیچ اثر نکند مأمورین بناز اقدام کردند بنده اینجا میگویم که عامه مردم تفهمنند که مقتضی تفتیش حق ندارند داخل خانه مردم بشوند و اگر ذوات منع نکرد خودشان معانت کنند

وزیر مالیه - اولاً بطوری که آقایان فرمودند نظامنامه هائی که برای وزارت خانها نوشته میشود بتصویب مجلس نباید برسد نظامنامه در حدود اختیارات وزارت خانه با رعایت تمام مواد قانون مربوطه تهیه می شود و مقتضی هم تا یک جائی و یک معنی را سوء ظن پیدا نکنند وارد نمی شوند و اشخاصی را که آقا می فرمایند اشخاصی هستند که مأمور تجدید را در گوچه با تیر زدند و هنوز هم تحت معالجه است و اینها اشخاصی هستند که قریب ۳۷ و ۳۸ لوله تریاک از اداره تجدید سرقت کرده اند و البته تصدیق می فرمایند در موقعی که قتل و جنایتی باشد البته جنبه دیگر دارد ولی این مسئله تحقیق و رسیدگی شد و بعد از آن رئیس تجدید معزول شد که بیاید مرکز و نسبت باو رسیدگی شود و بجهت هم دستور داده شده که اشخاصی را هم که سوء قصد و سرقت کرده اند محاکمه و مجازات کنند.

میرزا شهاب الدین - اینکه بنده عرض کردم هیچ کسی را در نظر نداشتم مقصودم بتام نقاط بود اعم از کرمان یا خراسان یا سایر ولایات و آن اشخاصی را که آقای وزیر میگویند البته چیز هائی است که وزارتخانه خودش بهتر مسبق است و آنشخص مضرور را گویا معالجه کرده اند در صورتی که هیچ قانونی دخول در منزل اشخاص را اجازه نمی دهد مگر این که در دست کسی تریاک قاچاق را ببیند که از منزل خارج کرده و برای فروش در بازار می برد می توانند بگیرند و الا داخل شدن در خانه مردم بدون اجازه صاحبخانه نه شرعاً مانع قانون اساسی که مطابق با شرع است اجازه میدهد در اینصورت از وزیر مالیه سؤال می کنم که باستناد کدام قانون به مقتضی تجدید اجازه داده شده است که قهرآ بخانه مردم داخل شوند اگر می فرمایند نظامنامه داخلی تجدید با وزارت

مجازات نمی کند آیا باید قاچاقچی را سرش را برید که آقای وزیر مالیه میفرمایند چون آنها قاچاقچی بودند لذا مأمورین اجازه داشتند داخل خانه شان بشوند یا آنکه قانوناً وقتی از دست قاچاقچی تریاک را گرفتند حق دارند محاکمه و مجازات کنند و الا داخل خانه های مردم نباید بشوند.

نایب رئیس - آقایان اگر باز فرمایند دارند بفرمائید

خانری زاده - بنده سؤالی از نماینده وزارت عدلیه دارم

رئیس الوزراء - آقایان داخل در دستور

نایب رئیس - سؤالتان را بفرمائید

خانری زاده - یک جمله می خواهم از نماینده وزارت عدلیه سؤال کنم راجع به اعتباری که چندی پیش از طرف مجلس به وزارت عدلیه داده شد از قراریکه شنیده میشود ولایاتی که عدلیه داشته است با آنها حقوق داده نشده است چون در اینجا نبوده اند که داد و فریاد کنند و سر وزیر را در دیوار بندند و اشخاصی را که در مرکز و قریب جوار وزیر بوده اند با آنها اضافه حقوق داده شده خواستم سؤال کنم که علت چه بوده که آن بدبخت هارا مواجبت نداده اند و اینها اضافه حقوق داده اند

معاون وزارت عدلیه - خود نماینده محترم میفرمایند اعتبار بوزارت عدلیه داده شده است و تصور می کنم که این کلمه اعتبار جواب را میدهد ولی معذالک جواب عرض میکنم این وجه جدیدیکه تصویب شد که در حدود اعتبار چهارصد هزار تومان بود فقط برای معدودی از ولایات بودجه پیش بینی شده بود و مابقی ولایات در حدود این چهارصد هزار تومان بودجه نداشت و این اعتبار را سردار معظم در زمان وزارت خودشان پیشنهاد کرده بود و در آن موقع برای بعضی ولایات بودجه تعیین نشده ولی وزارت عدلیه این وجه را قسمت کرده و نتوانست است یک مبلغ جزئی هم به آنها برساند که آنها هم بی نصیب نمانند

خانری زاده - فرمایش آقای معاون خیلی باعث تعجب است میفرمائید اعتبار خبلی بوده است؟ یعنی وزیر حق داشته است که خودش و همستان خودش اضافه حقوق بدهد و سایرین را بدون حقوق بگذارد بنده که تصور می کنم مجلس چنین اعتباری را به وزارت خانه نداده باشد علاوه این اعتبار سیصد هزار تومان چیزی نبود که مادیروز تصویب کرده باشیم مال سال گذشته است که بوزیر اجازه داده شد که در حدود چهار صد هزار تومان بودجه خود را پیش بینی کند و این سیصد هزار تومان از برای نه ماه گذشته مطابق همان تشکیلاتی که وزیر سابق گذاشته بود باید تقسیم شود و آن دوایری که در وزارت عدلیه مشخص بوده از اول سال باید با آنها حقوق داده شود.

راست است برای مجله هائی که در بودجه پیش بینی نشده و هنوز هم تشکیل نشده است نباید منظور داشت ولی در سایر نقاط نو کر بی جیره و مواجبت نگاهداشتن با اجازه دزدی دادن است.

معاون وزارت عدلیه - عرض می کنم البته مبلغی که کمتر از حد لازم تصویب شود طبعاً اجازه استخدام نو کر بی جیره و مواجبت و در بردارد و در صورتیکه در اول سال محرز بود که با چهار صد هزار تومان نمی شود برای تمام ولایات عدلیه تشکیل داد و بهمین جهت هم بود اعتبار خواسته شد و تصویب نشد و با این سیصد هزار تومان هم ممکن نبود که تشکیلات قضائی در تمام مملکت تأسیس شود

نایب رئیس دستور امروز اولاً شور در لایحه امتیاز نطق در تانی شور در لایحه امتیاز معادن کل سرخ : ماده دوازده قانون نفت .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۲ کلیه اراضی که مورد خفر چاه و یا برای تأسیسات صنعتی و اداری لازمه برای استخراج مواد نفتی بکار برده شود و کلیه محصولات نفتی که از مملکت خارج میشود یا برای خروج ذخیره شده از هر گونه عوارض و رسومات و مالیات و گمرک در تمام این مدت امتیاز معاف خواهند بود همچنین کلیه ملزومات و ادوات و ماشین آلات و اشیائی را که صاحب امتیاز برای اکتشاف و تحصیل و تصفیه نفت یا حمل یا ساختن و بکار انداختن لوله ها لازم باشد و بایران وارد نماید مشمول این معافیت از عوارض و رسومات و مالیات و گمرک خواهد بود ولی اسباب شخص و مواد غذایی متعلق با جزای صاحب امتیاز و کمپانی های متفرقه آن و آنچه در قوف ذکر نشده مشمول این معافیت نیست کلیه اشیائی که بتوسط صاحب امتیاز یا اجزای آن به ایران وارد میشود اعم از اشیائی که بموجب این ماده از تأذیه عوارض گمرکی و مالیاتی معاف هستند یا غیر آن باید بترتیب معمول مملکتی وارد شده اظهارنامه آنها بگمرک تسلیم و تفتیش و معاينه گمرکی در مواد آنها بطور صحیح مجری و معمول گردد

نایب رئیس - آقایانیکه قبلاً اجازه خواسته اند آقای دولت آبادی

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - عجالتاً عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - برای اینکه مدتی است قانون امتیاز نفت متار که شده بود ناچارم مخالفین می گفتند بنده تکرار کنم و آن اینست که گمان نمیکنم کسی مخالف با اصل استخراج نفت ایران باشد...

نایب رئیس - در ماده دوازده صحبت بفرمائید

دست شیب - اینقدرها فارسی بلام و میدانم ماده ۱۲ مطرح است و عرض کردم چون مدتی بود که لایحه نفت متار که شده بود از این جهت این کلمه را یادآوری می کنم که کسی با استخراج نفت مخالف نیست مغالفت در طرز جریان آن است و غریب این است که همه آقایان اصرار دارند که باید قضیه نفت چون کمک اقتصادی است به مجلس بیاید و زود بگذرد در صورتی که غیر از این مسئله نفت چیز هائی هست که زودتر میتوانیم نتیجه بگیریم مثلا قانون منع تجملات در مجلس می آید و متار که میشود وهم چنین مسئله لباس وطنی که بیشتر کمک با اقتصاد مملکت میکند متار که میشود و میرود در سیاه چالی که معلوم نیست کجا است و هیچکس حرف نمیزند ولی در موضوع نفت اصرار دارند که زودتر بگذرد.

(بعطوره همه از طرف بعضی از نمایندگان -

شما در کلیات صحبت میکنید.

دست شیب - بسیار خوب در ماده دوازدهم حرف میزنم می خواستم این کلمه را عرض کنم که:

چون يك قدری این امتیاز موافق است با اصلاح اقتصادی مملکت این است که آقایان مخالفین هم موافقت با اصل آن اما راجع بماده ۱۲ ماده ۱۲ می نویسد:

کلیه اراضی که مورد حفر چاه ویا استخراج مواد نفتی بکار برده شود و برای تأسیسات صنعتی و اداری لازم برای کلیه محصولات نفتی الی آخره (بشرح ماده که در سابق گذشت و ذکر شد) وقتی که ما این حساب را می کنیم می بینیم از عایدی نطف باید صد و شانزده بدولت بدهند.

ولی با این ترتیب معاویت از صد و شانزده کمتر نخواهد شد و این در واقع يك گول و فریبی است بواسطه اینکه رسماً صد و شانزده می دهند.

ولی در عرض از هر گونه عوارض مالیاتی و گمرکی خود را معاف می دارند و در این صورت البته پرداخت آنها صد و شانزده کمتر خواهد شد.

مثلا وقتی که در این ایالات اربعه شروع بجفر چاه می کنند یا مهندسی نقشه کشی می کنند بواسطه اینکه داخل دوزخ زمین یا نفتیشات میشود.

در آنجا هم مالیات نخواهد داد و وقتی که ما همه این معاویت ها را حساب کنیم البته برای دولت ضرر خواهد داشت.

بلدی ظاهر عبارت صد و شانزده است ولی این اراضی که میخواهد در آنها چاه حفر کنند یا خالصه است یا اربابی اگر خالصه است مالیاتی به دولت ضرر می زند.

اگر هم اربابی است که دولت سابقاً مالیات میگرفته و حالا که با فوخره یا اجازته داده دیگر مالیات نخواهد گرفت.

پس چه اراضی اربابی باشد چه خالصه در هر حال برای دولت ضرر دارد. اما راجع بگمرک مواد غذایی این يك عبارتی است که همین طور گفته می شود.

ولی وقتی که درست دقت کنیم می بینیم وقتی باو بگویند این مواد راجع به غذاست میگوبند خیر پارچه لباسی است، وقتی گفتی این راجع بلبوس است می گویند خیر.

این پارچه ایست که بکار پیچیدن دور لولهها بکار میرند و ماهم که يك متخصصین گمرکی نداریم که از این کیفیات آگاه باشد و روش دولت هارا هم بنده اینطور نمی بینم که خودش در هر چیز نفتیش و واری کامل کند آنها خاصه وقتی که طرف خارجی باشد.

پس وقتی که همه این مراتب راروی همرفته ملاحظه کنیم می بینیم از حیث ضرر زراعت و مالیات و گمرکات لااقل از منافع دولت صد سه یا صد چهار کسر خواهد شد.

پس اصولاً آن صد و شانزده غلط است زیرا خسارت بدولت وارد می آید این است که بنده با این ماده مخالفم و عقیده دارم که نباید اصلاح شود پیشنهاد خواهم کرد.

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - بنده يك اصلاحی دارم.

رئیس - بفرمائید

مساوات - برای اینکه بعد اسباب زحمت نشود این لفظ (یا هم که در اینجا است باشد حذف شود.

اینجا نوشته اشیاائی که برای حمل و نقل لازم است از عوارض مالیاتی معاف باشد

شاید این عبارت شامل بعضی وسائل نقلیه شود که لازم ساختن فابریک و ماشین است و آن چیزها شیکه لازم نیست تمام وسائل نقلیه که در ایران است باید از عوارض معاف باشد.

بنده عقیده ام این است که لفظ یا هم را باهم حذف کنید و یا اختصاص بدهند بآن چیزهائی که برای کارخانه لازم است.

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - ماده ۱۲ عرضی ندارم.

رئیس - آقای اقبال السلطان چطور؟

اقبال السلطان - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای سیدفاضل موافقت؟

آقا سیدفاضل - بلی موافقم.

رئیس - بفرمائید

آقا سیدفاضل - بنده این ماده را خیلی منطقی میدانم و از این بیاناتی که آقای دستغیب فرمودند خیلی تعجب دارم و با اینکه ایشان در حساب متخصص نیستند اگر چه بنده هم نیستم نمی دانم ایشان چطور حساب کرده اند که این اراضی خالصه و ملکی و معاویت گمرکیش از آن صدمه شانزده کمتر می شود.

در صورتی که مطلع از منافع و فوائد آن نیستند.

یا اقلا مساوی با آن صد و شانزده که فرمودند نباشد.

مسئله کمتر هم نخواهد بود پس معلوم میشود آن حساب ایشان بی منطق و بی فاسفه است دست غیب (مثل فرمایشات جناب عالی آقا سیدفاضل - در صورتیکه همه این

ایالت مورد معاویت نیست آن اراضی منتخبه است بعد از آنکه آن اراضی منتخبه هم موضوع شد آن اراضی است که راجع بجفر چاه است اینها هم از میزان سیصد ذرع یکجریب دو جریب بیشتر نیست و ابد طرف مقایسه با صدی شانزده شیکه فرمودید نیست این عوائدی است که عجلالتا بدولت می دهد و بعد هم انشاء الله زیادتر خواهد شد مثلا نقط جنوب که گفتند بدولت می دهد این در عوض چهارده کرور بدولت می دهد پس این چیزی نیست که بطور قطعی بتوان گفت این اراضی خالصه یا املاک اربابی و اشیاائیکه از گمرک معاویت می دارند برای دولت ضرر دارد و ضرر او البته کمتر از منافع خواهد بود زیرا وقتیکه امتیاز گرفت ماشین آلاتی می آورد و عوائدی عاید دولت می شود پس

آنجا شیکه آقای دستغیب فرمودند منطقی نیست و اما آن فرمایشیکه آقای مساوات فرمودند خیال میکنم این هم راجع بحمل نطف است بجهت اینکه جمالات پیش راجع بحمل نطف است و شامل آن چیزها شیکه خارج از میزان حمل نطف است نخواهد بود

و اگر چیزی بنظر ایشان می رسد خوب است پیش نهاد فرمایند ولی بنده که دو سه مرتبه مطالعه کردم این ماده را بسیار خوب و منطقی دانستم و در امتیازاتی که دیگران داده اند پیش از این منظور نشده است

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده بدون اینکه داخل در مطالبی شوم که بعضی از آقایان رفقای مجلسی بفرمایند خارج از موضوع ماده است همینقدر اجازه خواستم یکی دو

جمله در خصوص همین ماده ۱۲ عرض کنم بدو باید عرض کنم يك رائی که در کلیات اول قانون گرفته میشود برای این است که اگر مخالفین در مواد اصلاحی بنظرشان برسد در ضمن شور و در مواد اصلاحی شود بهمین جهت است اگر آن مواد مطابق نظر آنها اصلاح نشد ممکن است همان موافقین در لایحه در آخر مخالف باشند این است که من با حفظ آن نظر داخل ماده ۱۲ هم میشوم و چون متأسفانه تاکنون امتیازات دیگری در دست ندارم چنانچه آقایان ملاحظه فرموده اند مقایسه و تطبیق بنده همیشه با امتیاز چک و اسلوا بوده است و با مواد آن امتیاز بنده مقایسه و تطبیق می نمایم تا هر وقت خدا خواست اسناد دیگری بدست آورم آنوقت با اوقیاس خواهم کرد

ماده ۱۲ میگوید:

کلیه اراضی ۰۰۰ تا آخر ماده را به شرح سابق قرائت نمودند بنده تصور می کنم این ماده دارای چهار جزء است که ممکن بود آن جزء ها را هر کدام علیحده جدا کرد ما باید بیوسه سمی داشته باشیم که قانون را خیلی مفید و مختصر بنویسیم که در آتیه اسباب زحمت فراهم نیاید اتفاقاً این قانون اکثر موادش طولانی است مثل همین ماده ۱۲ که گوئی سه چهار ماده راجع کرده و در تحت يك ماده نوشته اند در صورتیکه با این طور در موقع تفسیر و تأویل اسباب زحمت خواهد بود بعقیده بنده در هر يك از این چهار جزء يك نغمی برای کمیانی منظور شده است

در قسمت اول این ماده که میگوبد: کلیه اراضی ۰۰۰ تا آخر ماده را به شرح سابق قرائت نمودند بنده تصور می کنم این ماده دارای چهار جزء است که ممکن بود آن جزء ها را هر کدام علیحده جدا کرد ما باید بیوسه سمی داشته باشیم که قانون را خیلی مفید و مختصر بنویسیم که در آتیه اسباب زحمت فراهم نیاید اتفاقاً این قانون اکثر موادش طولانی است مثل همین ماده ۱۲ که گوئی سه چهار ماده راجع کرده و در تحت يك ماده نوشته اند در صورتیکه با این طور در موقع تفسیر و تأویل اسباب زحمت خواهد بود بعقیده بنده در هر يك از این چهار جزء يك نغمی برای کمیانی منظور شده است

مثلا كترانس يك لغت فرانسه است و هر چه تاکنون محض کرده اند کلمه بزبان فارسی یا عربی که معنی اصلی این لغت را در برداشته باشد و مقصود حقیقی را ادانایند یافته نشده است از این جهت ممکن است هر کس لغتی را بنظر خودش تعبیر و ترجمه کند حالا اینکه قانون است این طور کلمات میهم در صورتی که در آن معاویه چک و اسلاو حتی الامکان جمالات را محدود کرده و از ذکر کلمات میهم خودداری کرده است این جا چنین میگوبد:

و همچنین کلیه ملزومات و ادوات و ماشین آلات و اشیاائی را که صاحب امتیاز برای اکتشاف و تحصیل و تصفیه نطفی احمال یا ساختن و بکار انداختن لوله ها لازم باشد و بایران وارد نماید مشمول این معاویت از عوارض و رسومات و مالیات و گمرک خواهد بود.

ما وقتی که پس از مدتها يك کارخانه کبریت سازی به یکی از اتباع داخله دادیم در جزو شروط قرار دادیم که ماشین آلاتی که برای این کار از خارجه وارد میکنند از گمرک معاف باشد و تصور کردیم که يك مساعدت فوق العاده با او کرده ایم اما حالا

ملاحظه بفرمائید که در موقع عمل نفتیش این مسائل با اینکه ما هیچ گونه تخصص و متخصص نداریم چقدر اسباب اشکال خواهد بود فوق العاده مشکل است و پس این نواقص بود که در قسمت اول این ماده بنظر بنده میرسد.

یکی اینکه اساساً چرا در موقع خروج مالیات ندهد زیرا او هم باید در ترتیبات مملکتی تابع نظامنامه های گمرکی باشد و علت ندارد که مستثنی باشد همانطور که اگر امروز کسی از سرحد شمال یا جنوب بخواهد چیزی را خارج کند مطابق نظامات گمرکی بدولت حق می دهد کمیانی هم البته باید بدهد

فرض این است هر معامله که با دیگران می شود با کمیانی هم باید بشود دیگر اینکه خود صاحب امتیاز است از این جهت عرض می کنم این عبارات میهم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

ملاحظه بفرمائید که در موقع عمل نفتیش این مسائل با اینکه ما هیچ گونه تخصص و متخصص نداریم چقدر اسباب اشکال خواهد بود فوق العاده مشکل است و پس این نواقص بود که در قسمت اول این ماده بنظر بنده میرسد.

یکی اینکه اساساً چرا در موقع خروج مالیات ندهد زیرا او هم باید در ترتیبات مملکتی تابع نظامنامه های گمرکی باشد و علت ندارد که مستثنی باشد همانطور که اگر امروز کسی از سرحد شمال یا جنوب بخواهد چیزی را خارج کند مطابق نظامات گمرکی بدولت حق می دهد کمیانی هم البته باید بدهد

فرض این است هر معامله که با دیگران می شود با کمیانی هم باید بشود دیگر اینکه خود صاحب امتیاز است از این جهت عرض می کنم این عبارات میهم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

ملاحظه بفرمائید که در موقع عمل نفتیش این مسائل با اینکه ما هیچ گونه تخصص و متخصص نداریم چقدر اسباب اشکال خواهد بود فوق العاده مشکل است و پس این نواقص بود که در قسمت اول این ماده بنظر بنده میرسد.

یکی اینکه اساساً چرا در موقع خروج مالیات ندهد زیرا او هم باید در ترتیبات مملکتی تابع نظامنامه های گمرکی باشد و علت ندارد که مستثنی باشد همانطور که اگر امروز کسی از سرحد شمال یا جنوب بخواهد چیزی را خارج کند مطابق نظامات گمرکی بدولت حق می دهد کمیانی هم البته باید بدهد

فرض این است هر معامله که با دیگران می شود با کمیانی هم باید بشود دیگر اینکه خود صاحب امتیاز است از این جهت عرض می کنم این عبارات میهم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

ملاحظه بفرمائید که در موقع عمل نفتیش این مسائل با اینکه ما هیچ گونه تخصص و متخصص نداریم چقدر اسباب اشکال خواهد بود فوق العاده مشکل است و پس این نواقص بود که در قسمت اول این ماده بنظر بنده میرسد.

یکی اینکه اساساً چرا در موقع خروج مالیات ندهد زیرا او هم باید در ترتیبات مملکتی تابع نظامنامه های گمرکی باشد و علت ندارد که مستثنی باشد همانطور که اگر امروز کسی از سرحد شمال یا جنوب بخواهد چیزی را خارج کند مطابق نظامات گمرکی بدولت حق می دهد کمیانی هم البته باید بدهد

فرض این است هر معامله که با دیگران می شود با کمیانی هم باید بشود دیگر اینکه خود صاحب امتیاز است از این جهت عرض می کنم این عبارات میهم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

اسباب زحمت خواهد بود و ملاحظه فرمائید چقدر هم در موقع ترجمه اسباب زحمت خواهد بود

صرفه جوئی کنیم ؟ حالا میرسیم بمعاهده چک و اسلاو که ملاحظه خواهید فرمود که آنها مثل ما يك بخشش های زیادی نکرده اند

و قسمت دیگر که در اینجا نوشته ولی اسباب شخصی و موافقاتی متعلق با جزای صاحب امتیاز و کمیانی متفرقه آن و آنچه در فوق ذکر نشده مشمول این معاویت نیست که استثنای اسباب شخصی و مواد غذایی راقائل شده این استثناء هست یا نیست و حالا این اشياء شخص چرا از کلیه عوارض و رسومات و کلیه ترتیبات معاف نشده است داخل در آن نمی شوم زیرا شور دوم هست حالا بر می گردیم بمعاهده چک و اسلاو و وقتی که آن معاهده را می خواستند با این کمیانی بیندند این معاهده را بآدادند و بنده می بینیم سه ماده در این معاهده است که بنده میخوانم یکی فصل یازده است که می نویسد تسهیلات جهت پیشرفت ماشین و ادوات برای بکار انداختن چرخهای کار و برای تسهیل فروش محصولات کمیانی بر طبق نظامنامه های دیگر خواهد بود

هیچ اینجا قطع نکرده که کلیه ماشین هائی که او می خواهد وارد کند کلیه معاف باشند اینجا محدود شده محدود شدن معلوم است بیکسره و بطور کلی معاف نیست اگر بیکسره معاف بود مثل مامی نوشتند بیکسره معاف است (بعد حق عملیات از قبیل نفتیش اراضی نفت خیز استخراج نفت انبار کردن و حمل و نقل و فروش آن تعمیر عمارات و ساختن لوله های نفت کس و غیره را خواهد داشت

و ب علاوه حق دارد آلات و ادوات و ماشین های لازم وارد مملکت نماید اینجا پیش بینی کرده که دولت احتیاجات کمیانی را در تحت نظر و دقت خواهد گرفت یعنی دولت تعیین احتیاجات کمیانی را می کند نه اختیارات مطلقه بکمیانی بدهد و مینویسد که دولت ناظر است این قسمت عدمه اساسی مخصوصاً فراموش شده است که بنویسند دولت حال يك سره مالیات را نبخشیده اند زیرا اگر این اصل را قابل شویم که هر امتیازی می دهیم صاحب امتیاز نه عوارض و نه مالیات بدهد آنوقت بایدها چگونه اداره میشود و این ماشینها هر يك هوای شهر را کثیف میکنند و حفظ الصحه شهر را خراب میکنند با این حال چطور می شود از اموالیات نگرفت چطور رعیت که يك بار هیزم وارد شهری کند باو میگویند که الاغ تو بیاض این خیار باو های پاکیزه پر گل ما را خراب میکند بنا بر این خسارت وارد میکنید و باید فلان قدر مالیات بدهید اما يك ماشینها شیکه حمل و نقل آن شاید همه قسم صدمه و خرابی وارد میکنند هیچ رسومات و عوارض نداشته باشند این چه مقایسه است ما بین داخله و خارجه که آنها این مقایسه را نکرده اند شاید اگر سندی نداشتم گفته میشد می خواهم اشکال تراشی و بهانه جوئی کنم ولی آن سندی

دولت متعهد می شود که از این کمیانی بیش از حقوقیکه از سایر کت های صنعتی بعنوان مالیات دریافت می دارد دریافت نکند اینجا بیکسره مالیات را نبخشیده است که بگوید هر چه متعلق بشما است از مالیات و عوارض و رسومات و باج و غیره معاف هستید فقط این را نوشته که هر چه با اتباع داخله رفتاری می شود باشما هم که تبعه خارجه هستید همانطور معامله میشود و بنده اطلاعی ندارم شاید يك قانونی در مملکت آنها باشد که مالیاتهای زیادی داشته باشند ولی در هر حال يك سره مالیات را نبخشیده اند زیرا اگر این اصل را قابل شویم که هر امتیازی می دهیم صاحب امتیاز نه عوارض و نه مالیات بدهد آنوقت بایدها چگونه اداره میشود و این ماشینها هر يك هوای شهر را کثیف میکنند و حفظ الصحه شهر را خراب میکنند با این حال چطور می شود از اموالیات نگرفت چطور رعیت که يك بار هیزم وارد شهری کند باو میگویند که الاغ تو بیاض این خیار باو های پاکیزه پر گل ما را خراب میکند بنا بر این خسارت وارد میکنید و باید فلان قدر مالیات بدهید اما يك ماشینها شیکه حمل و نقل آن شاید همه قسم صدمه و خرابی وارد میکنند هیچ رسومات و عوارض نداشته باشند این چه مقایسه است ما بین داخله و خارجه که آنها این مقایسه را نکرده اند شاید اگر سندی نداشتم گفته میشد می خواهم اشکال تراشی و بهانه جوئی کنم ولی آن سندی

دولت متعهد می شود که از این کمیانی بیش از حقوقیکه از سایر کت های صنعتی بعنوان مالیات دریافت می دارد دریافت نکند اینجا بیکسره مالیات را نبخشیده است که بگوید هر چه متعلق بشما است از مالیات و عوارض و رسومات و باج و غیره معاف هستید فقط این را نوشته که هر چه با اتباع داخله رفتاری می شود باشما هم که تبعه خارجه هستید همانطور معامله میشود و بنده اطلاعی ندارم شاید يك قانونی در مملکت آنها باشد که مالیاتهای زیادی داشته باشند ولی در هر حال يك سره مالیات را نبخشیده اند زیرا اگر این اصل را قابل شویم که هر امتیازی می دهیم صاحب امتیاز نه عوارض و نه مالیات بدهد آنوقت بایدها چگونه اداره میشود و این ماشینها هر يك هوای شهر را کثیف میکنند و حفظ الصحه شهر را خراب میکنند با این حال چطور می شود از اموالیات نگرفت چطور رعیت که يك بار هیزم وارد شهری کند باو میگویند که الاغ تو بیاض این خیار باو های پاکیزه پر گل ما را خراب میکند بنا بر این خسارت وارد میکنید و باید فلان قدر مالیات بدهید اما يك ماشینها شیکه حمل و نقل آن شاید همه قسم صدمه و خرابی وارد میکنند هیچ رسومات و عوارض نداشته باشند این چه مقایسه است ما بین داخله و خارجه که آنها این مقایسه را نکرده اند شاید اگر سندی نداشتم گفته میشد می خواهم اشکال تراشی و بهانه جوئی کنم ولی آن سندی

دولت متعهد می شود که از این کمیانی بیش از حقوقیکه از سایر کت های صنعتی بعنوان مالیات دریافت می دارد دریافت نکند اینجا بیکسره مالیات را نبخشیده است که بگوید هر چه متعلق بشما است از مالیات و عوارض و رسومات و باج و غیره معاف هستید فقط این را نوشته که هر چه با اتباع داخله رفتاری می شود باشما هم که تبعه خارجه هستید همانطور معامله میشود و بنده اطلاعی ندارم شاید يك قانونی در مملکت آنها باشد که مالیاتهای زیادی داشته باشند ولی در هر حال يك سره مالیات را نبخشیده اند زیرا اگر این اصل را قابل شویم که هر امتیازی می دهیم صاحب امتیاز نه عوارض و نه مالیات بدهد آنوقت بایدها چگونه اداره میشود و این ماشینها هر يك هوای شهر را کثیف میکنند و حفظ الصحه شهر را خراب میکنند با این حال چطور می شود از اموالیات نگرفت چطور رعیت که يك بار هیزم وارد شهری کند باو میگویند که الاغ تو بیاض این خیار باو های پاکیزه پر گل ما را خراب میکند بنا بر این خسارت وارد میکنید و باید فلان قدر مالیات بدهید اما يك ماشینها شیکه حمل و نقل آن شاید همه قسم صدمه و خرابی وارد میکنند هیچ رسومات و عوارض نداشته باشند این چه مقایسه است ما بین داخله و خارجه که آنها این مقایسه را نکرده اند شاید اگر سندی نداشتم گفته میشد می خواهم اشکال تراشی و بهانه جوئی کنم ولی آن سندی

دولت متعهد می شود که از این کمیانی بیش از حقوقیکه از سایر کت های صنعتی بعنوان مالیات دریافت می دارد دریافت نکند اینجا بیکسره مالیات را نبخشیده است که بگوید هر چه متعلق بشما است از مالیات و عوارض و رسومات و باج و غیره معاف هستید فقط این را نوشته که هر چه با اتباع داخله رفتاری می شود باشما هم که تبعه خارجه هستید همانطور معامله میشود و بنده اطلاعی ندارم شاید يك قانونی در مملکت آنها باشد که مالیاتهای زیادی داشته باشند ولی در هر حال يك سره مالیات را نبخشیده اند زیرا اگر این اصل را قابل شویم که هر امتیازی می دهیم صاحب امتیاز نه عوارض و نه مالیات بدهد آنوقت بایدها چگونه اداره میشود و این ماشینها هر يك هوای شهر را کثیف میکنند و حفظ الصحه شهر را خراب میکنند با این حال چطور می شود از اموالیات نگرفت چطور رعیت که يك بار هیزم وارد شهری کند باو میگویند که الاغ تو بیاض این خیار باو های پاکیزه پر گل ما را خراب میکند بنا بر این خسارت وارد میکنید و باید فلان قدر مالیات بدهید اما يك ماشینها شیکه حمل و نقل آن شاید همه قسم صدمه و خرابی وارد میکنند هیچ رسومات و عوارض نداشته باشند این چه مقایسه است ما بین داخله و خارجه که آنها این مقایسه را نکرده اند شاید اگر سندی نداشتم گفته میشد می خواهم اشکال تراشی و بهانه جوئی کنم ولی آن سندی

دولت متعهد می شود که از این کمیانی بیش از حقوقیکه از سایر کت های صنعتی بعنوان مالیات دریافت می دارد دریافت نکند اینجا بیکسره مالیات را نبخشیده است که بگوید هر چه متعلق بشما است از مالیات و عوارض و رسومات و باج و غیره معاف هستید فقط این را نوشته که هر چه با اتباع داخله رفتاری می شود باشما هم که تبعه خارجه هستید همانطور معامله میشود و بنده اطلاعی ندارم شاید يك قانونی در مملکت آنها باشد که مالیاتهای زیادی داشته باشند ولی در هر حال يك سره مالیات را نبخشیده اند زیرا اگر این اصل را قابل شویم که هر امتیازی می دهیم صاحب امتیاز نه عوارض و نه مالیات بدهد آنوقت بایدها چگونه اداره میشود و این ماشینها هر يك هوای شهر را کثیف میکنند و حفظ الصحه شهر را خراب میکنند با این حال چطور می شود از اموالیات نگرفت چطور رعیت که يك بار هیزم وارد شهری کند باو میگویند که الاغ تو بیاض این خیار باو های پاکیزه پر گل ما را خراب میکند بنا بر این خسارت وارد میکنید و باید فلان قدر مالیات بدهید اما يك ماشینها شیکه حمل و نقل آن شاید همه قسم صدمه و خرابی وارد میکنند هیچ رسومات و عوارض نداشته باشند این چه مقایسه است ما بین داخله و خارجه که آنها این مقایسه را نکرده اند شاید اگر سندی نداشتم گفته میشد می خواهم اشکال تراشی و بهانه جوئی کنم ولی آن سندی

دولت متعهد می شود که از این کمیانی بیش از حقوقیکه از سایر کت های صنعتی بعنوان مالیات دریافت می دارد دریافت نکند اینجا بیکسره مالیات را نبخشیده است که بگوید هر چه متعلق بشما است از مالیات و عوارض و رسومات و باج و غیره معاف هستید فقط این را نوشته که هر چه با اتباع داخله رفتاری می شود باشما هم که تبعه خارجه هستید همانطور معامله میشود و بنده اطلاعی ندارم شاید يك قانونی در مملکت آنها باشد که مالیاتهای زیادی داشته باشند ولی در هر حال يك سره مالیات را نبخشیده اند زیرا اگر این اصل را قابل شویم که هر امتیازی می دهیم صاحب امتیاز نه عوارض و نه مالیات بدهد آنوقت بایدها چگونه اداره میشود و این ماشینها هر يك هوای شهر را کثیف میکنند و حفظ الصحه شهر را خراب میکنند با این حال چطور می شود از اموالیات نگرفت چطور رعیت که يك بار هیزم وارد شهری کند باو میگویند که الاغ تو بیاض این خیار باو های پاکیزه پر گل ما را خراب میکند بنا بر این خسارت وارد میکنید و باید فلان قدر مالیات بدهید اما يك ماشینها شیکه حمل و نقل آن شاید همه قسم صدمه و خرابی وارد میکنند هیچ رسومات و عوارض نداشته باشند این چه مقایسه است ما بین داخله و خارجه که آنها این مقایسه را نکرده اند شاید اگر سندی نداشتم گفته میشد می خواهم اشکال تراشی و بهانه جوئی کنم ولی آن سندی

جلوی روی من است و دولت چک اسلاو که دولت منظمی است منافع خود را اینطور تأمین میکند

آقا سید یعقوب - آقا سه ربع شده است
 سلیمان میرزا - بحمدالله مقروض نماندم بهر جهت چون آقا فرمودند که زیاد عرض نکنم لهذا بطور خلاصه عرض میکنم در هر حال باین ترتیب منافع خود را حفظ کرده است و چون آقا فرمودند سه ربع شده است پیش از این آقایان را خسته نمیکنم شاید پیش از این هم چیزی نداشتم عرض کنم در هر صورت در چند جا از این امتیاز بنده مخالفت دارم

(یک نفر از وکلا پیشنهاد کنید)

سلیمان میرزا - بسیار خوب پیشنهاد میکنم ولی در پیشنهاد خودم هم باید توضیح بدهم و برای اینکه آقایان را از توضیح دادن در پیشنهاد راحت کنم این نکته را عرض میکنم که بنده این ماده را که خواندم پیشنهاد میکنم و توضیحات هم همان است که عرض کردم و بنده خیر مملکت را میخواهم یک چیزی هم نیست که بگویند عملی نیست و بنده بجای ماده ۱۲ فصل ۱۵ و ۱۶ و ۲۰ از قرارداد دولت چک اسلاو را پیشنهاد میکنم و از برای اینکه درست ترتیبات فصل هم در اورعایت و ملاحظه بشود تقدیم مقام ریاست میکنم

رئیس الوزراء - من البته نسبت اشکال تراشی و بهانه جوئی بحضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا نمیدهم البته باید در مطالب توضیحاتی داد و یک معلوماتی خواست ولی اینکه مقایسه میفرمائید لایحه پیشنهادی دولت را با امتیاز دولت چک اسلاو برای اینکه مطلب توضیح شود لازم می دانم توضیحاتی را که قبلاً در جلسه چهل روز قبل عرض کرده باز خاطر نشان سر کار و الا مینمایم حضرت والا مقایسه میفرمائید مواد امتیاز چک اسلاو را با این قانون در صورتی که از یک مسئله غفلت کرده اند اولاً آن کمیانی که از چک اسلاو امتیاز گرفته این کمیانی نیست چنانچه عرض کردم کمیانی استاندارد در امریکا ۳ کمیانی است و کمیانی که می خواهد از ایران امتیاز بگیرد استاندارد اوایل و آندیگری که از دولت چک اسلاو امتیاز گرفته استاندارد نیوجرسی است و نظر باینکه آن کمیانی در اروپا یک تاسیساتی دارد و نزدیک تر است شاید یک منافع زیادتری به دولت داده باشد آن ملاحظات در پیشنهاد امتیاز استاندارد اوایل نیست یک مطلب دیگری که خواستم عرض کنم این است که آقایان دو امتیاز را مقایسه نکنند و این دو مطلب را منظور نظر ندارند مطلب دیگر که لازم بود عرض کنم این است لوایعی که از طرف دولت به مجلس پیشنهاد می شود فلسفه اینکه به

کمیسیون می رود باید بدانند چیست برای این است که در کمیسیون در مطالب دقت و تحقیق شود و مطالب خوب حلایعی شده و اگر یک اشتباهاتی هست رفع شود و اگر توضیحاتی لازم است از دولت بخواهند و مطلب ساخته و پرداخته به مجلس بیاید که وقت مجلس زیساد نگذرد

در کمیسیونی که برای مطالعه امتیاز فقط تشکیل شد بعضی از آقایان تشریف داشتند از جمله شاهزاده سلیمان میرزا بودند که حالا در نظر من نیست موقمی که در ماده دوازده مذاکره میشد ایشان حضور داشتند یا نداشتند البته خودشان بهتر می دانند ولی آقایانی که حضور داشتند الان حاضر هستند بنده تصور می کنم و اینطور بخاطر دارم که اگر در این ماده تمام جلسه صرف وقت نشده لابد وساعتی صرف وقت شده و توضیحات داده شد و اعضاء کمیسیون هم متقاعد شدند و با اتفاق آراء رأی دادند حالا نمی دانم که شاهزاده سلیمان میرزا هم بوده و رأی داده اند یا نه؟

البته خودشان می دانند و همینطور نسبت بسایر مواد ۱۰ و اگر بنا شود لوایعی که در کمیسیون می رود در آنجا مذاکره و مطالعه شده و بالاخره با اتفاق رأی داده شود بعد به مجلس آمده مورد مباحثات طولانی واقع شود البته باین طور هیچ امتیاز و هیچ قانونی از مجلس نمی گذرد پس به عقیده بنده بهتر این است یک مطلب دیگری به طور وضوح گفته شود که آیا مقصود امرار وقت است یا تصویب امتیاز؟

اگر تصویب این امتیاز است البته آقایانی که در کمیسیون بوده اند میتوانند با من کمک کرده و مدافعه و توضیحات بدهند که زودتر بگذرد و آقایانی هم که توضیحات بیشتری میدهند و می خواهند مباحثات طولانی بکنند خوب است در مقابل رعایت

گذشتن این امتیاز را بکنند و بمختصر جواب قناعت نموده و باد دولت همراهی کنند که زودتر این امتیاز بگذرد و اگر هم نظر مجلس این است که این امتیاز را رد کند و تصویب نشود آنهم موضوع دیگری است و بنده هم هیچ اصراری ندارم

بنده آوردن این امتیاز را بمجلس بعقیده خودم یک خدمت بزرگی بمملکت میدانستم این بود که آوردم و اصرار کردم و استمداد نمودم که آقایان در این باب موافقت بفرمایند و برای خیر و صلاح مملکت تصویب کنند

ولی البته در صورتیکه مجلس مخالف باشد اصراری ندارم بنده باید عقیده خود را تعقیب کنم تا اینکه پیشرفت کند ولی وقتی که می فهمم مجلس موافق نیست و یک کلمه بشنوم که مجلس این قانون را تصویب نمیکنند

آنوقت باشخاص داوطلب خواهم گفت که دولت بتکلیف خودش عمل کرده و بمجلس فرستاد بالاخره بعد از این مذاکرات و مباحثات طولانی مجلس رأی نداد و قبول نکرد که این امتیاز را بدهد اگر اینطور است زودتر تکلیف معین شود بهتر است و اگر واقعاً توضیحات لازم است ممکن بشکل دیگری قضیه حل شود اولاد رهمین حال که لایحه دولت در مجلس مطرح است ممکن است کمیسیون امتیاز در ساعات معین تشکیل شده و اعضاء حاضر شوند اگر نواقصی در امتیاز هست از دولت توضیح بخواهند و اگر اشتباهاتی هست رفع شود که امتیاز بمجلس بیاید و زودتر بگذرد یا اینکار را بکنند یا اینکه همان کمیسیون امتیاز را تشکیل دهند و چون وقت من هم بگذردی مضیق است ممکن است من هم حضور پیدا نکنم

ولی یک اشخاص متخصص رامیفرستم که وارد مذاکره شوند و نسبت بتوضیحاتی که بعضی از آقایان می دهند یک اطلاعات کافی با آقایان بدهند که تکلیف این امتیاز معلوم شود گمان می کنم اگر باین ترتیب کمیسیون تشکیل شود و من هم یکی دو نفر را بفرستم با حضور تمام آقایان اعضاء کمیسیون تمام موارد را تحت مطالعه در آورده و توضیحات داده شود و اگر آقایان اشتباهی دارند رفع شود مطلب معلوم میشود و خواهند گفت که این امتیاز را مجلس می دهد یا نمی دهد تصور میکنم اگر تصویب کنید که همان کمیسیون سابق تشکیل شود و من هم یکی دو نفر با آن ترتیبی که عرض کردم بفرستم این مطلب در ظرف چهار پنج روز معلوم می شود که این امتیاز از تصویب مجلس خواهد گذشت یا نه؟

در صورت اخیر البته من هم با آقایان زحمت نخواهم داد که آقایان بی جهت وقت خود را صرف اینکار نکنند

نایب رئیس - اگر مذاکرات کافی است پیشنهادات خوانده شود

سلیمان میرزا - بنده در مطالب سوء تفاهم شده باید یک توضیح بدهم

نایب رئیس - میخواهید بیانی بفرمائید بفرمائید ولی اسمش را توضیح ننگذارید

سلیمان میرزا - آنچه که اینجای فرمودند مقصود بنده را اینطور تفسیر نمودند که من نمی خواهم لایحه بگذرد و مذاکرات طولانی می نمایم بنده عرض میکنم خیر اینطور نیست زیرا که بنده می بینم مسئله ای است برای پنجاه سال دیگر این مملکت بنده می بینم ما داریم نصف اراضی صاصل - خیز ولایات و ایالات خودمان را در او یک قیودی و شرایطی قائل میشویم و بنده عقیده ام آزاد است و در هر ماده هم اگر یک روز وقت مجلس را صرف کنیم ضرر نکرده ام زیرا تا پنجاه سال بعد گرفتار نخواهم بود این بود عقیده بنده و این مسئله محتاج به

تکرار نیست که در کلیات دادن امتیاز موافق هستم (ما باین مواد که بر ضرر مملکت است مخالفیم)

پیشنهادی که راجع به عودت لایحه بکمیسیون فرمودند اختیار با خودشان است که در حقیقت تقاضای ارجاع لایحه را به کمیسیون نموده اند حالا نمی دانم بنده بد ملتفت شده ام یا خیر

رئیس الوزراء - تقاضای ارجاع لایحه بکمیسیون نبود عرض کردم در همین حال که لایحه در مجلس تحت مطالعه هست ممکن است کمیسیون جدید اعضاء خود را معین که عملیات خودش را تعقیب کند و اگر توضیحات لازم شد آن دو نفر کاملاً توضیح بدهند تا رفع اشتباه بشود و راجع بتوضیحات مفصلی که شاهزاده سلیمان میرزا دادند البته بایشان حق می دهم زیرا موضوع خیلی مهم و لازم است کاملاً در آن مذاکره شده تا بخوبی مطلب روشن شود و من هم نگفتم حضرت والا مخالف دادن امتیاز هستند ولی چون نمایندگان کمیانی هم قریب یک سال است معطل و منتظر تکلیفند خوب است زودتر تکلیف آنها معین شود و حرف آنها این است که شرایطی را که میخواهید بما تحمیل کنید همین ها است که پیشنهاد کرده ایم و خوب است جزئی اصلاحی را که خواهید کرد بکنید و زودتر معلوم کنید که این امتیاز را خواهید داد یا نه؟

نایب رئیس - اگر در اطراف ماده دوازدهم مذاکرات کافی است پیشنهادات خوانده شود

(جمعی گفتند کافی است)

(پیشنهادات امین التجار و محمد علی مافی بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ بعد از جمله عوارض و رسومات و مالیات و گمرک اینطور نوشته شود (تا زمانیکه قانون مخصوص برای این قبیل کمیانیها و شرکتهای وضع نشده معاف خواهد بود پیشنهاد می نمایم قسمت اول ماده ۱۲ الی جمله کلیه ملزومات حذف شود

(محمد علی مافی)

نایب رئیس - چون خیلی از ظهر گذشته است جلسه را ختم میکنم دستور جلسه آینه ماده ۱۳ امتیاز نطق شور در گل سرخ جزایر هرمز (مجلس ده دقیقه از ظهر گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤنمن الملك

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه هیجدهم برج جمادی ۱۳۰۱ برابر ۲۱ شهر جمادی الاولی ۱۳۴۱

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه ۱۶ جمادی را آقای امیر ناصر قرائت نمودند